بهرنگ توفیقی، کارگردان سریال «افرا» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

شبکه‌نمایش خانگی یا تلویزیون؟ اولویتم فیلمنامه است

دغدغه‌ام خانواده است/ نحوه پخش سریال‌ها می‌توانست بهتر مدیریت شود

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

پس از ساخت «آقازاده»، برای شبکه نمایش خانگی و استقبال نسبتا قابل توجه از آن، خیلی‌ها شاید منتظر دیدن سریال تازه بهرنگ توفیقی برای تلویزیون بودند. سبد تلویزیون هم خالی از سریال‌های جذاب بود و تقریبا همزمان با هم سه سریال از شبکه‌های یک، دو و سه روی آنتن رفت. سریال‌هایی که تم اصلی آنها هم شبیه به هم است. تلویزیون برای شبکه یک، سریال «افرا» را انتخاب کرد؛ سریالی که ترکیب متفاوت و نسبتا نویی از بازیگران را دارد و لوکیشن آن هم مانند اکثر سریال‌های محبوب یکی دو دهه اخیر در شمال ایران می‌گذرد. مهدی سلطانی که پیش از این سابقه چندین همکاری با توفیقی را داشت، اینجا هم حضور دارد و این‌بار، «حاج‌محمود» است که ما را یاد، «حاج‌علی تهرانی» سریال پدر می‌اندازد. پژمان بازغی، مبنا وحید و روزبه حصاری از دیگر بازیگران این مجموعه هستند. افراچندین موضوع را به‌طور همزمان برای مخاطب جلو می‌برد و چالش نسل‌ها، محیط‌زیست و مهم‌تر از آن خانواده را از این دست هستند. افرا نسبت‌به کارهای اخیر توفیقی در تلویزیون متفاوت است، اما همچنان علاقه وی به خانواده را نشان می‌دهد. مساله دیگر افرا برای پخش در این شب‌ها وجود دو سریال ملودرام دیگر و پخش آنها پیش از این سریال است. درکنار ضعف‌ها و شاید تلخی‌هایی که در افرا وجود دارد، مساله غیرقابل تردید این است که تلویزیون به این نوع سریال‌ها نیاز دارد و مخاطبان هم نشان دادند که علاقه زیادی به ملودرام‌های خانوادگی دارند. اما این سریال‌ها باید در یک مجموعه جامع و کامل دیده شود. به این معنی که یک سریال ملودرام باید درکنار یک اثر طنز یا حتی سیاسی پخش شود. ساخت و پخش افرا البته نشان داد که حضور یک بازیگر یا کارگردان در شبکه نمایش خانگی به‌معنی عدم همکاری با تلویزیون نیست و آنها می‌توانند همزمان در هر دوی این عرصه‌ها فعالیت کنند. اگر فیلمنامه و اقبال عمومی معیار باشد و بودجه هم یک اندازه منطقی و درستی داشته باشد نه شبکه نمایش خانگی مخل و مانع فعالیت‌های تلویزیون است و نه بالعکس آن. حتما هنرمندان به قاب عمومی و مخاطب جامع تلویزیون نیاز دارند و از آن سمت هم این ضرورت همکاری وجود دارد. در این شرایط باید وضعیتی رقم بخورد که تعامل درستی بین شبکه نمایش خانگی و تلویزیون برقرار شود. عددای البته افرا را تنها به‌دلیل لوکیشن مشترک و به اشتباه با خاتون مقایسه می‌کنند که اساسا این تشبیه غلط است، اما آنچه مشخص است اینکه سریال‌های شبکه نمایش خانگی از آزادی‌ها و امکانات بیشتری برخوردار هستند و شاید اگر افرا در یکی از پلتفرم‌های داخلی ساخته می‌شد، شکل و شمایل دیگری داشت. آنچه بدیهی است اینکه تلویزیون باید برای ارتقای کیفیت سریال‌هایش اقدامات اساسی انجام دهد و مهم‌تر از آن، به مدیریت پخش آنها هم توجه ویژه‌ای بکند. پاییز و زمستان، دو فصل مهم برای تلویزیون است و مهم‌تر از آنها نوروز ۱۴۰۱ است که حتما باید شرایط بهتری نسبت‌به نوروز ۱۴۰۰ داشته باشد. با بهرنگ توفیقی درباره افرا و انتخاب بازیگران و حضورش در شبکه نمایش خانگی و تلویزیون هم صحبت شدیم.

تصویربرداری سریال افرا الان در چه وضعیتی است؟ درگیر کارهای فنی سریال‌تان هستید؟

کامل نشده است، ولی همزمان اتفاق می‌افتد. روزبه‌روز کارها را پیش می‌بریم. قاعدتا تدوین جلوتر است و فکر می‌کنم ۱۲-۱۰ قسمت تدوین جلوتر است، اما صداگذاری و موسیقی و کارهای ویژوال و تاثیر رنگ همزمان اتفاق می‌افتد.

تصویربرداری که تمام شده است؟

بله. فکر می‌کنم حدود دوماه قبل تمام شده است.

با «آقازاده»، تجربه موفقی در شبکه نمایش خانگی داشتید و بعد به‌سمت تلویزیون آمدید. مطلوب شما در سریال‌سازی کدام است؟

واقعیت این است که آنچه برای من در انتخاب‌ها اولویت دارد، رفتن به‌سمت سریال‌سازی است. یعنی اساسا ساخت سریال را دوست دارم. می‌تواند در تلویزیون اتفاق افتد یا شبکه نمایش خانگی! هریک از اینها باشد ویژگی‌های خاص خود را دارد، محاسن خود را دارد و به‌نظر من ساخت سریال در هر دو قالب جذاب است.

اولویت که احتمالا دارید، چون مخاطب این دو قالب باهم فرق می‌کند؟ امکانات این‌دو هم باهم متفاوت است.

بله، فرق می‌کند. در نمایش خانگی، سرمایه‌گذاری‌هایی اتفاق می‌افتد که شرایط کار کردن در آن راحت‌تر است و حتی به‌لحاظ برخی آزادی‌ها و اتفاقات راحت‌تر است، ولی مخاطب گسترده تلویزیون را ندارد و هریک محاسن خود را دارد، اما در درجه اول آنچه من را جذب می‌کند، فیلمنامه است. یعنی بعد از سریال «آقازاده»، هم پیشنهادهای نمایش خانگی داشتم، هم پیشنهادهای تلویزیونی. اما فیلمنامه افرا به‌نظرم از تمام فیلمنامه‌هایی که پیشنهاد داده شد جذاب‌تر بود و جای بیشتری برای کار داشت و یکی از محاسن آن بود که در شمال کشور اتفاق می‌افتاد و مدت‌ها بود می‌خواستم قصه‌ای شبیه افرا که در شمال اتفاق می‌افتد را بسازم.

پیشنهاد نمایش خانگی هم داشتید، ولی ترجیح شما این بود که افرا را کار کنید؟

بله. فیلمنامه افرا برای من جذاب بود.

همیشه فیلمنامه برای شما اولویت است؟

قطعا همین‌طور است، چون ستون کار است. پایه اول را با فیلمنامه می‌سازید. وقتی فیلمنامه‌ای شما را جذب کند و فیلمنامه‌ای قرص و محکم باشد، خیال شما خیلی راحت‌تر است و ارتباط با آن برقرار می‌کنید. طبیعتا فیلمنامه خوب همیشه اولین انتخاب من است.

وقتی کسی همزمان هر دو را کار می‌کند مدام درحال مقایسه شدن است؛ یعنی فارغ از موضوع متفاوت آقازاده و افرا، مردم آخرین سریال توفیقی را با سریال قبلی مقایسه می‌کنند. چنین فضایی برای شما ایجاد شده، شما را اذیت نمی‌کند یا از این فضا استقبال می‌کنید؟

اصلا اذیت کننده نیست. واقعیت این است که در سریال‌های تلویزیونی هم سعی می‌کنم کارهای من شبیه هم نباشد. آنچه اقتضای قصه است و تاکید بر قصه می‌کنم، سعی می‌کنم در هر مدیومی که ساخته می‌شود تا جایی که می‌توانم به کیفیت اضافه کنم و برای من فرق نمی‌کند انرژی‌ای که می‌گذارم حتما در تلویزیون باشد یا در شبکه نمایش خانگی.

افرا از ابتدا همین فیلمنامه را داشت؟ یعنی تعداد قسمت‌ها همین میزان بود یا چیزهایی تغییر کرد؟

فیلمنامه کامل وجود نداشت. فکر می‌کنم ۱۵ قسمت فیلمنامه بود که تغییراتی ایجاد شد. معمولا بعد از انتخاب بازیگران خوب است نویسنده‌ها رجوعی کنند و براساس بازیگرانی که درنهایت بسته می‌شود تغییراتی را در فیلمنامه ایجاد کنند. اتفاقی بود که این اتفاق در کارهای قبلی ما رخ می‌داد. با حامد عنقا و سعید نعمت‌الله هر زمان انتخاب بازیگر انجام می‌شد رجوعی می‌شد و بازنویسی انجام می‌شد که براساس بازیگران انتخاب شده، کاراکترها رنگ دیگری می‌گرفتند. شاید بخواهم به عقب‌تر بروم این اتفاق خیلی‌وقت‌ها در کارهایی که با مرحوم ایرج کریمی کار می‌کردیم انجام می‌شد و آن هم به‌خاطر اینکه همیشه همراه ایرج بودم؛ از زمانی که پروانه پخش می‌گرفت و فیلمنامه قرار بود نوشته شود. ایرج بعد از انتخاب بازیگران بازنویسی نهایی را انجام می‌داد. این در مرحله ساخت خیلی کمک می‌کند.

ترکیب بازیگران در افرا از ابتدا همین بود یا مجبور به تغییرات هم شدید؟ چون ترکیب آشنایی برای مخاطب تلویزیون است.

با پژمان بازغی بعد از بیش از ۲۰ سال رفاقت، اولین تجربه همکاری را داشتم. من پژمان را همیشه دوست داشتم و می‌خواستم با او کار کنم. دلم می‌خواست همکاری ما با هم یک اتفاق باشد که الحمدلله این اتفاق افتاد و پژمان با انگیزه بالا و انرژی عجیب‌وغریب در این کار قدم گذاشت و خیلی برای این بخش زحمت کشید. پژمان بازیگر بسیار باسواد و بسیار فیلم‌بینی است. فکر می‌کنم وقت من با این کار با پژمان بیشتر شد و در پشت صحنه و مقابل دوربین بسیار حرفه‌ای کار می‌کند. همکاری با پژمان بازغی لذت‌بخش است.

خانم وحید و مهدی سلطانی هم نقش‌های جذابی دارند. مهدی سلطانی پیش از این هم با شما کار کرده‌اند. آیا از انتخاب‌های اول شما بودند؟

بله، مهدی سلطانی یا نمی‌پذیرد در کاری بازی کند یا اگر بازی می‌کند نقش را برای خود می‌کند. کار کردن با مهدی سلطانی یک‌جور راحتی و لذتی برای من دارد که چهار تجربه مشترک در آن است. همیشه نقش‌هایی که کار کردیم طولانی بود. چندسالی است که انگار با هم زندگی می‌کنیم.

آخرین تجربه هم آقازاده بود.

بله، قبلش هم «زیر پای مادر» و «پدر» بودند. درواقع این راحتی و رسیدن به زبان مشترک خیلی اتفاق خوبی برای همکاری است، اما نکته‌ای که وجود دارد که هم من و هم مهدی سلطانی را می‌ترساند، تکرار کاراکترها و نقش‌هاست که چه کنیم این کاراکترها تکراری نباشند، چون به‌هرحال وقتی قصه روز کار می‌کنیم، مجبور هستیم تیپ‌ها را به‌لحاظ ظاهری نزدیک به هم بگیریم. حاج‌علی سریال پدر هم کارخانه‌دار بود و حاج‌محمود اینجا هم کارخانه‌دار است، اما سعی می‌کنیم با ظرافت و گپ‌وگفت این تفاوت‌ها را ایجاد کنیم که هم در فضای قصه درست بگنجد و هم تکراری به‌نظر نرسد.

تجربه نشان داده سریال‌هایی که معمولا در لوکیشن شمال و فضای شمال می‌گذرد، اکثرا مورد استقبال قرار گرفته است. مردم با آن فضا ارتباط می‌گیرند. بحثی هم در این زمینه وجود دارد که شنیدم دوستان با لهجه مشکل دارند. قبلا این شکایت‌ها گله‌ها زیاد بود و بعدها کم شده بود، ولی الان فکر می‌کنید چه دلیلی وجود دارد که دوباره این واکنش‌ها شروع شده است؟

اشتباه می‌کنید. اساسا من خود را گیلک می‌دانم، مادرم هم اهل گیلان است و من نیمی از عمر خود را در گیلان گذرانده‌ام. این مطلبی را که بیان می‌کنید نشنیده‌ام و هیچ کامنتی نسبت‌به ایراد در لهجه‌ها و گویش‌ها نداشتم.

بیشتر لهجه روزبه حصاری مورد انتقاد است.

من واقعا نشنیدم. همه می‌دانیم روزبه حصاری اهل گیلان نیست، اما من می‌خواستم با لهجه بازی کند. درکنار بازیگرانی که گیلانی هستند و با لهجه بازی می‌کنند به‌هرحال تفاوت‌هایی هست، اما ازنظر من خیلی قابل‌قبول است.

مساله‌ای که برای شما جزء مسائل اولویت‌دار است و در سریال‌های قبلی‌تان هم دیدیم. تقابل نسل‌هاست و اینجا هم این چالش را می‌بینیم. نسل‌هایی که هریک مشکلات خود را دارند و درنگ‌زهایی که چالش‌های جدی با نسل‌های تازه و مشکلات‌شان پیدا می‌کنند. این مساله از کجا دغدغه شما شد؟ فقط قرار است طرح مساله شود و هیچ‌وقت به راهکار فکر نکردید؟

به‌نظر شما رسالت و وظیفه ما ارائه راهکار است؟

درحد پیشنهاد می‌تواند باشد. وظیفه شما نیست، اما به‌دلیل دغدغه‌ای که شما دارید ممکن است راهکاری هم داشته باشید.

دغدغه من خانواده است. یعنی در اکثر کارها که نگاه کنید همین دغدغه را دارم. چرا من و سعید نعمت‌الله سه کار پشت هم انجام دادیم؟ برای اینکه دغدغه مشترک داشتیم. اولا این چیزی که بیان می‌کنم دغدغه خیلی از ماهاست، منظور این نیست فقط دغدغه من و سعید باشد. کمتر کسی را می‌توانید پیدا کنید که دغدغه او حفظ بنیان خانواده نباشد. ولیکن شاید در کارهایی که کردم تاکیدات روی این موضوع برای من جذاب بود. در خانواده طبیعتا پدر خانواده و مادر خانواده و فرزندان از نسل‌های مختلف هستند؛ یعنی این امر طبیعی است. بلاشک همین اختلاف نسل‌ها، اختلاف سلیقه‌ها را با خود می‌آورد، اختلاف عقاید را با خود می‌آورد. همین‌ها این چالش‌ها را ایجاد می‌کند و فکر می‌کنم خواناخواه مجبور هستید به این موضوع بپردازید که وقتی در دل یک خانواده کنکاش می‌کنید به این اختلاف عقاید و سلیقه‌ها می‌رسید.

محوریت برای شما خانواده است؛ یعنی معتقد هستید اگر خانواده درست شود جامعه هم مشکلات کمتری خواهد داشت.

حتما همین‌طور است.

یک اتفاق جدید در این سریال این است که به محیط‌زیست و جنگلبانی و محیط‌بانی اشاره شده است. این هم جزء دغدغه‌های شماست؟

بله، حتما جزء دغدغه‌های من است. من خیلی اهل فریاد زدن در فضای مجازی نیستم، ولی دلم می‌خواست فرصتی پیش آید تا بتوانم دغدغه‌های خودم را نشان دهم. فکر می‌کنم نکته دغدغه‌مند در کارها بیشتر خود را نشان می‌دهد. این یک تلنگر است. با اینکه شاید یکی از مباحثی که در سریال افرا مطرح شد، به گونه‌ای اعتراض به نگاه مدیریتی درباره محیط‌زیست باشد.

کمبود امکانات و عدم همراهی را نشان دادید.

بله، بخش دیگری که تاثیر بیشتری دارد روی آن کم‌کاری شده، فرهنگ‌سازی برای مردم است. همه اینها نشات گرفته از مدیریت غلط یا عدم مدیریت نیست، بلکه باید بسیار فرهنگ‌سازی شود و از دل جامعه و مردم بیرون بیاید. در این کار درباره این مساله حرف نمی‌زنیم. شاید باید کارهای دیگری ساخته شوند و درباره آن مسائل و فرهنگ‌سازی صحبت شود تا مدرم در این زمینه تلاش کنند.

می‌گویند این سه سریالی که پخش می‌شود سریال‌های تلخی هستند. شما تلخی افرا را قبول دارید؟

من از شما می‌شنوم. این تلخی در کار ما اقتضای قصه بود و باید این اتفاق می‌افتاد و باید سمپاد ایجاد می‌شد و حس رابه کاراکتر پیدا می‌کردند و برای آنها محبوب می‌شد که به بعد از کشته شدن این اتفاقات را بیشتر لمس کنند. من فکر می‌کنم باید به گونه دیگری مدیریت شود که همزمان سه کار به این شکل پخش نشود. مردم نیاز دارند کار کمدی و پلیسی هم ببینند. شاید چون همزمان با محرم و صفر است این اتفاق افتاده و شبکه‌ها کارهایی را انتخاب کردند که فضای آنها شاد نبود، ولی می‌شد به گونه دیگری مدیریت کرد. شاید کار معمایی، نه الزاما کمدی را پخش می‌کردند و این می‌توانست آن بخش از مخاطبان را نیز راضی نگه دارد.

چارسو

ساترا پیگیر حذف بین‌المللی پلترفم‌های صوت‌وتصویر

به گزارش روابط‌عمومی ساترا، براساس گزارش‌های واصله‌شرکت گوگل در هفته‌های اخیر برنامک‌های موثر و پرکاربرد ایرانی راهدف اقدامات حذفی قرار داده است. این رویه غیرمنطقی که از ماه گذشته با حذف پلتفرم رویکا و ذره‌بین شروع شد، علی‌رغم گمانه‌زنی‌های اولیه مبنی بر وجود منشأ داخلی برای آن، در هفته گذشته به سایر پلتفرم‌ها ازجمله پلتفرم‌های مطرح‌دیگری در حوزه صوت‌وتصویر فراگیر رسید. این اقدام، عملی غیرحرفه‌ای و نشان‌دهنده رویکرد جانبدارانه علیه مسیر پیشرونده صنعت بومی تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ای با هدف تضعیف حاکمیت رسانه‌ای کشور است. حوزه فناتحریم (TechSanction) که در تضاد با اصل بی‌طرفی (Neutrality) به‌عنوان پایه توسعه اکوسیستم مبتنی بر اینترنت است، فقط با توجیه سیاسی در حال پیگیری است و هیچ گونه توجیه فنی، حقوقی و عرفی قابل دفاعی ندارد. ساترا با محکومیت این اقدامات، پیگیری‌های خود را در خصوص پلتفرم‌های صوت‌وتصویر حذف‌شده به صورت جدی دنبال می‌کند و با توجه به اینکه این سیاست‌ها فقط به‌حوزه صوت‌وتصویر فراگیر محدود نشده، با استفاده از ظرفیت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت امور خارجه، معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و مرکز ملی فضای مجازی، یک حرکت بین‌دستگاهی را برای اعتلای حقوق فعالان تکنولوژی و این صنعت پیگیری می‌کند. در اولین اقدام واحد بین‌الملل ساترا با شروع پیگیری‌های حقوقی و بین‌المللی نامه‌نگاری‌های خود را با نهادهای رگولاتوری و قضایی بین‌المللی آغاز کرده است و در روزهای آینده نیز اقدامات مقتضی در این خصوص در دستور کار ساترا قرار دارد.

خاطره صدرعاملی از ساختن اولین فیلم جنگی‌اش

رسول صدرعاملی در گفت‌وگویی با موضوع خاطرات سینمایی خودش، درباره اولین کار سینمایی خود گفت: «در حال ساخت مستند «فتح بستان» در جنوب بودم که نامه‌ای سوخته که از داخل لباس یک افسر عراقی از یکی از سنگرهای فتح‌شده توسط رزمنده ایرانی پیدا شده بود به دست من رسید که شعرهای آقای نظر ربانی را برای سربازان و رزمنده‌های ایرانی نوشته بود، وی ادامه داد: «در آن نامه خطاب به رزمندگان ایرانی نوشته شده بود که من شما را دوست دارم، به سمت شما شلیک نمی‌کنم، تفنگم را به سمت آسمان می‌گیرم، ما کتاب‌مان قرآن است و پیامبرمان با شما یکی است، چرا داریم همدیگر را می‌کشیم؟ یادم می‌آید این نامه را به فریدون جیرانی دادم. او خواند و استقبال کرد و به من پیشنهاد داد تا براساس آن فیلم بسازیم و کارگردانی آن را برعهده بگیرم. در ابتدا از این پیشنهاد حیرت کردم اما پس از ۱۰ روز با تاکید مجدد فریدون جیرانی اولین فیلمم را ساختم.» صدرعاملی در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار داشت: «یک روز مهدی فرجی از شبکه یک تلویزیون به من گفت ۱۱ طرح قصه از اصغر فرهادی خریده است اما او الان نمی‌خواهد آنها را کار کند و از من خواست تا آنها را بخوانم. من آنها را خواندم و متوجه شدم همه آنها را به تم زائر بود و برای من خیلی وسوسه کننده بود. چهار جلسه با اصغر فرهادی گذاشتم و در آنها سه طرح «شب»، «هر شب تنهایی» و «در انتظار معجزه» را انتخاب کردم.»

چرا مدیران دهه شصت ضیاءالدین دری را تحریم کردند

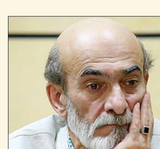

خبرگزاری تسنیم به‌نازگی گفت‌وگویی با نوید دری فرزند مرحوم سیدضیاءالدین دری کارگردان فقید سینما و تلویزیون داشته است که در آن اظهارات جالبی درمورد مدیران سینمایی دهه ۶۰ شده است. نوید در این مصاحبه گفته است: «تمام این مشکلات برای این بود که ایشان حرفی می‌زد که آقایان دوست نداشتند و آن هم نشان‌دادن دست‌های بیگانگان برای اداره کشور و استعمارگران بود. چیزی که در فیلمنامه‌های کیف انگلیسی، کلاه‌پهلوی و همین‌طور من و دبور؛ صاعقه، گرداب و لژیون داشت. فیلم صاعقه ایشان مورد سانسور قرار گرفت و از جشنواره فیلم فجر آن دوران به دستور معاونت سینمایی جشنواره کنار گذشته شد. پدرم تعریف کرد که رفتم در سالن فیلم خودم را تماشا کنم اما دیدم فیلم دیگری درحال پخش است. پدرم یک فیلمنامه سیاسی نوشته بود به نام «ماریجوانا اکسپرس» که بعدا مشابه همان فیلمنامه را به‌عنوان یک مشت بر عقاب» در تلویزیون ساختند. ولی این فیلمنامه ضداستعمارگران و آمریکایی‌هایی دهه ۱۳۶۰ بود اما پیش اجازه ساخت ندادند، چرا اجازه ندادند که ساخته شود؟ یک علتش این بود که ایشان مجیز و بله‌قربان‌گوی آقایان مدیر نبود. خودش به من گفته بود اگر یک بار به این آقایان می‌گفتم چشم هرچه شما بفرمایید، به من هم اجازه ساخت می‌دادند. من میرزانویس کسی نبودم بلکه برای عقاید خودم کار می‌کردم. البته آنها شاید بدشان نمی‌آمد که از این سبک کارها هم ساخته شود اما مشکل اصلی به عقیده من این بوده که او را خودی و از حلقه خودشان نمی‌دانستند.»

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

حاجی سلطانی؟!

اگر شما این شب‌ها سریال افرا را نگاه می‌کنید احتمالا به این فکر کرده‌اید که حاج‌محمود فروزش با بازی مهدی سلطانی چقدر برایتان آشناست. مهدی سلطانی ۵۰ ساله است و اگر بدانیم که امین حیایی یک سال از او بزرگ‌تر است و همچنان نقش عاشق‌پیشه را بازی می‌کند شاید تعجب‌تان بیشتر شود. مهدی سلطانی حداقل ۱۰ سال است که نقش پدر را بازی می‌کند و در سال‌های اخیر نقش پدرهایی که حاجی هستند و عروس و داماد هم دارند بازی می‌کند. با اینکه در «آقازاده» نقش دکتر امیر بحری را داشت اما آنجا هم در قامت یکبدر ظاهر شد که پسرش امیرآقایی یا نیما بود. مهدی سلطانی خیلی زودتر از موعد در نقش پدر یا حاجی تلویزیون و شبکه نمایش خانگی جا افتاده است. نحوه حرف زدن، نگاه‌ها و حتی راه رفتنش که همراه با طمانینه و آرامش است این شمایل را باورپذیرتر می‌کند.

تساطانی در نقش‌هایی که شبیه به این آخری‌ها نبوده هم درخشیده و خوب بوده است. نکته اصلی این است وقتی «حاج‌بهزاد مصیب» سریال «در مسیر زاینده‌رود» را با «حاج‌علی تهرانی» مجموعه «پدر» و این آخری یعنی «حاج‌محمود فروزش» سریال «افرا» مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که با سه نوع «حاجی» مواجهیم که تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند. اینها شاید ظاهرا شبیه به‌هم باشند اما سعی شده که در جزئیات و حتی در نحوه ادای دیالوگ‌ها تفاوت‌هایی ایجاد شود.

فارغ از این جمله که می‌گویند هر بازیگری باید هر نقشی را بتواند بازی کند اما جاافتادن مهدی سلطانی در نقش پدر، حاجی یا حتی پدربزرگ، مخاطب و مهم‌تر از آن سینما و تلویزیون را از یک کاراکتر متفاوت و جذاب در نقش‌های «بدمن» یا حتی مرد تنها و شاعرمسلک محروم می‌کند. آنهایی که اهل تئاتر هستند درخشش سلطانی روی صحنه را یادشان هست و دیده‌اند که نقش‌های مختلف را با چه قدرتی بازی کرده است. حالا باید منتظر بمانیم و ببینیم که مهدی سلطانی در دهه شنیم عمرش می‌خواهد بیشتر نقش‌های «حاجی» یا «پدر» را بازی کند یا مسیر تازه‌ای را انتخاب می‌کند.

کارنامه رنگارنگ بهرنگ

«افرا» نهمین سریال بهرنگ توفیقی است. در این بین یکی دو فیلم سینمایی و تلویزیونی هم ساخته است. توفیقی اولین کارش را با طنز و سریال جنجالی «مسیر انحرافی» شروع کرد. سریالی با حضور قابل توجهی از بازیگران مطرح آن زمان و خوانندگی سینا حجازی برای تیترازش. سه سال زمان برد تا توفیقی سریال دومش را برای تلویزیون بسازد. «انقلاب زیبا» یک مجموعه ۲۲ قسمتی بود که داستان‌های زیبا و حامد را روایت می‌کرد. این سریال تاریخی در زمان پخشش با استقبال مخاطبان مواجه شد و یکی از آثار متفاوت در حوزه حکومت پهلوی بود. توفیقی توانسته بود خودش را در عرصه سریال‌سازی تثبیت کند و سال بعدش با دو سریال به قاب‌های تلویزیونی برگشت. «آمین» و «پشت‌بام تهران» دو سریالی بودند که در ژانر پلیسی و ملودرام ساخته شدند.

دیالوگ‌های خاص در پشت‌بام تهران که نتیجه همکاری او با سعید نعمت‌الله بود از ویژگی‌های بارز این سریال است. انگار قرار بود توفیقی سالی دو اثر را به پخش تلویزیون برساند و برای سال ۹۶ هم مجموعه‌های «زیر پای مادر» و «عتیق» را ساخت. همکاری‌ها با سعید نعمت‌الله ادامه داشت و در این همکاری هنرتیک هم کرده بودند. بهرنگ توفیقی، زارعی‌های مختلف را می‌ساخت و برایش تاریخی و پلیسی و طنز انگار فرقی نداشت. سال ۹۷، جنجالی و پرحاشیه‌ترین سریالش را ساخت و «پدر» را با حامد عنقا برای شبکه ۲ آماده کرد.

حاشیه‌های مربوط به ریحانه پارسا و همچنین سکانس‌هایی که در فضای مجازی وایرال می‌شدند بازمانده زمان پخش این سریال بود. تاکنون هیچ سریالی به اندازه «پدر» در کارنامه توفیقی حاشیه نداشته است. او همکاری‌اش با عنقا را ادامه داد و «بر سر دوراهی» و «آقازاده» را برای شبکه ۲ و شبکه نمایش خانگی ساخت. نگاهی به کارنامه رنگارنگ توفیقی نشان می‌دهد که هیچ ترسی از تجربه‌های تازه ندارد و علاقه عجیبی هم به هنرتیک در انجام کارهای مشترک دارد! سعید نعمت‌الله و حامد عنقا را که یادتان نرفته است.

کدملی ۲۲۴۹۱۶۱۶۱۵ صادره از کردکوی فرزند اسامعلی در شنداتک یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۰/۹۰ متر مربع از پلاک شماره ۱۲۹۰ اصلی واقع در اراضی زکیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق‌رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به مقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. م.الف/۷۶۵۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۶/۲۲

علی برقی
رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

حوزه ثبت ملک گرگان
آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف
برابر رای شماره ۲۰۲۸۶ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۰ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۳۶۷ کدملی ۲۱۲۰۹۸۷۱۲۲ صادره از گرگان فرزند محمد در شنداتک اصلی یک باب ساختمان به اقصام چهارنوبه دانگ مشاع از شنداتک عرصه که جهت یک نوبه دانگ آن قرارداد اوقاف تنظیم شده است به مساحت ۲۱۸۰ متر مربع از پلاک شماره ۲۱۸ اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به مقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. م.الف/۷۶۵۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۶/۲۲

علی برقی
رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

حوزه ثبت ملک گرگان
آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف
برابر رای شماره ۲۰۲۸۲ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۰ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۲۰۸ کدملی ۲۱۲۰۹۸۷۱۲۲ صادره از گرگان فرزند محمد در شنداتک اصلی یک باب ساختمان به اقصام چهارنوبه دانگ مشاع از شنداتک عرصه که جهت یک نوبه دانگ آن قرارداد اوقاف تنظیم شده است به مساحت ۱۳۱ سهم مشاع از ۱۲۴ سهم شنداتک عرصه که باقیمانده سهام آن وقف است به مساحت ۶۹۵/۲۲ متر مربع از پلاک ۱۲-اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به مقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. م.الف/۷۶۵۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۶/۲۲

علی برقی
رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

حوزه ثبت ملک گرگان
آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف
برابر رای شماره ۲۰۲۸۴ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۰ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۲۰۹ کدملی ۲۱۲۰۹۸۷۱۲۲ صادره از گرگان فرزند محمد در شنداتک اصلی یک باب ساختمان به اقصام چهارنوبه دانگ مشاع از شنداتک عرصه که جهت یک نوبه دانگ آن قرارداد اوقاف تنظیم شده است به مساحت ۱۰۱/۹۰ متر مربع از پلاک شماره ۲۰۹ اصلی واقع در اراضی قلعه حسن بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به مقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. م.الف/۷۶۶۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۶/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۶/۲۲

علی برقی
رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

حوزه ثبت ملک گرگان
آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فا